

حزب توده ایران برای جلوگیری از تهاجم امپریالیسم و فروختن آتش جنگ خانمانسوز در میهن ما خواهان پایان دادن به فعالیت های اتمی رژیم "ولایت فقیه" است.

کارگران همه کشور متحد شوید!

مردم

ارگان تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران

شماره 10 ، 25 خرداد ماه 1391

برنامه حزب را بیاموزیم

توضیحی درباره سازماندهی حزبی

در سرمقاله نشریه "نامه مردم" شماره 894 ، 18 اردیبهشت 91 مطلبی تحت عنوان، "سازماندهی اعتراض های پراکنده کارگری و وظیفه بی درنگ مرحله کنونی است" منتشر شده است. در این مقاله عدم ارائه راه حل برای معضلات موجود در سازمان نیافتگی طبقه کارگر و نیز عدم آگاهی از تجربه غنی حزب ما و جنبش کارگری و کمونیستی برای چگونگی حل معضلات پیش رو، سبب استیصال و کژاندیشی این آقایان مدعی حزب توده ایران شده و در شرایط ترور و اختناق رژیم "ولایت فقیه" در حالی که سازمان های صنفی-سندیکایی در محاصره دشمن و تحت نظر ارگان های سرکوبگر رژیم قرار دارند. در چنین شرایطی ضرورت ایجاد سازمان های صنفی مستقل و نیز سازماندهی اعتراض های پراکنده کارگری را پیش می کشند.

با توجه به اینکه چنین تصویری بدون توجه به آنچه در کشور می گذرد، می تواند پیامدهای زیانبار و ناخوشایند در پی داشته باشد. لذا از این نظر بررسی موضوع حائز اهمیت است.

برای پاسخگویی به معضل عدم سازماندهی و تشکل طبقه کارگر در مسائل کارگری و سندیکایی کشورمان، ما در اینجا از موضع حزب توده ایران نکاتی را درباره تشکل توده مردم بویژه طبقه کارگر در انطباق با برنامه حزب ما در شرایط مخفی فعالیت بیان می کنیم.

در این زمینه راه حل مورد نظر ما ایجاد سازمان های غیرمتمرکز درون کشور است که بتواند کار سازمانی پنهانی را با کار علنی صنفی- سندیکایی بهم بیامیزد. موضوع مهم دیگر در ارتباط با امر تشکل و سازماندهی است. در این باره توضیح می دهیم. کارسازماندهی و تشکل توده ها در شرایط مخفی شعار نیست و این اقدامی است که اصولا با خط مشی لیبرالی، نمی توان از سازماندهی و تشکل توده ها سخن بمیان آورد. مشی انقلابی روی سازماندهی و تشکل و پیوند با

در صفحات دیگر:

توضیحی درباره سازماندهی حزبی
وظایف ما در مرحله کنونی
از ایران چه خبر

در ص 1
در ص 3
در ص 5

توده ها تکیه می کند. به همین منظور می توان گفت فراهم ساختن زمینه تشکل توده ها روندی طولانی است و نیاز مبرم به مراعات موازین پنهان کاری دارد. با توجه به این واقعیت حزب ما بمنظور پیشبرد امر سازماندهی و تشکل توده ها در راه پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" از اصل عدم تمرکز تشکیلاتی پیروی می کند. در این راه باید کوشید اصول سازمانگری علمی را که جزئی از آموزش مارکسیسم-لنینیسم است بر شرایط کشورمان تطبیق داد و موافق شرایط اشکال ویژه کار سازمانی پنهانی و علنی را بوجود آورد.

درباره اهمیت تشکل و سازماندهی توده ها، ما به عنوان حزب توده ایران معتقدیم بدون دو عنصر تشکل و سازماندهی بمثابة عامل ذهنی جنبش دموکراتیک نمی توان به هدف عمده و اصلی جنبش یعنی آزادی و دموکراسی دست یافت و تناقضات و تضادهای موجود در جامعه را حل کرد.

در حال حاضر مهمترین وظیفه مبارزان توده ای در ایران متشکل شدن در هسته های مخفی حزبی است. زیرا فقط در این صورت می توان امر سازماندهی و تجهیز و تشکل نیروها را در جامعه امکان پذیر ساخت و در شرایط کنونی اشکال سازماندهی و شیوه های کار حزبی را بتدریج فراهم ساخت.

بنابراین ضرورت سازماندهی جنبش کارگری و سندیکایی در شرایط کنونی میهن ما، در ارتباط نزدیک با پایه گذاری، "سازمان استوار انقلابیون" قرار دارد. ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری در شرایط تسلط رژیم استبدادی، کاری است غلط. حزب ما مخالف این نظر است. این نظر به هیچ وجه در پیوند با برنامه و مشی سیاسی حزب ما در مرحله کنونی نبوده و نیست.

و.ای.لنین. فردی را که در شرایط استبدادی دچار این تصور شده که گویا می توان تشکل مستقل کارگری ایجاد نمود، "پندارگرای درمان ناپذیر" توصیف می کند.

لنین می آموزد: "فقط حد اعلاي ناتوانی در درک مارکسیسم و یا درک آن با روح "استرویسیم" ¹ می توانست چنین پنداری پدید آورد که گویا پیدایش جنبش گسترده خودانگیخته، ما را از وظیفه پی ریزی یک سازمان انقلابی، به همان خوبی سازمان گروه "زملیا ای ولیا" ² و از

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

با سازمانگری انقلابی، با شرکت فعال در مبارزات مردم و با مجهز ساختن پیشاهنگ طبقه کارگر به تئوری انقلابی و استوار ساختن پیوندش با توده ها، طبقه کارگر با کسب آگاهی طبقاتی با تشکل در حزب مستقل انقلابی خود می تواند در رهبری مبارزات توده ها برای ویران کردن نظام کهنه مذهبی "ولایت فقیه" تحول بنیادی در جامعه را به انجام برساند.

در مرحله کنونی باید از ایجاد سازمان وسیع و بهم پیوسته در داخل کشور خودداری کرد و به ایجاد هسته های مخفی حزبی، گروه های مستقل کوچک و جداگانه پرداخت.

توضیحات:

1- استرووه و دیگران مارکسیستهای علنی بودن که تنها تئوری ناگزیری تعویض فرماسیون اجتماعی-اقتصادی فئودالی با فرماسیون سرمایه داری را گرفته و گذار به سوسیالیسم را بکلی دور انداخته بودند.

2- اعضای سازمان "زملیا ای ولیا" سازمان غیر علنی نارودنیکهای انقلابی بود که دهقانان را نیروی اصلی انقلاب در روسیه شمرده، می کوشیدند آنها را به قیام علیه تزاریسیم برانگیزند. در نتیجه عدم موفقیت کار انقلابی میان دهقانان و تشدید فشارها و تضییقات دولت به دو گروه تقسیم شدند، بعداً بخشی از آنها به موضع مارکسیسم گرویدند و در سال 1883 در خارج روسیه نخستین سازمان مارکسیستی روس "گروه آزادی کار" را تشکیل دادند.

3- سیاست تریونیستی منظور مبارزه "صرفاً سندیکایی" است.

4- زوباتف سرهنگ ژاندارمری و سازنده سوسیالیسم پلیسی (زوباتفی) بود. کارزوباتف موفقیتی نداشت و سازمان های ساخته و پرداخته وی با اعتلای جنبش انقلابی از بین رفت.

5- اوزه روف - اقتصاددان و استاد دانشگاه های مسکو و پتربورگ بود در سالهای 1901-1902 از تاکتیک مفسده جویانه زوباتف در جنبش کارگری پشتیبانی می کرد.

آنهم، به مراتب بهتر، معاف میدارد. برعکس، چنین جنبشی درست ما را به ایجاد چنین سازمانی موظف می دارد، زیرا مبارزه خودانگیخته تا زمانی که سازمان استوار و پایدار انقلابیون آن را رهبری نکند، اصولاً مبارزه طبقاتی، واقعی پرولتاریا نخواهد شد." (لنین، چه باید کرد. منتخب آثار در یک جلد به زبان فارسی، صفحه 81)

در سالهای قبل رفیق نورالدین کیانوری در آموزش تدوین شده ای تصریح کرده است: "کوشش در جهت تدارک همه جانبه عامل ذهنی یعنی احیاء آن چنان سازمان سیاسی و انقلابی که بتواند در جریان تحولات آتی میهن ما نقش تجهیز کننده و سازمان دهنده مبارزات روزمره مردم را ایفا کند. به این معنا در مرحله کنونی مبارزات مردم ایران علیه استبداد، حلقه اساسی حرکت به جلو، احیاء سازمان حزبی در داخل کشور است." (نکاتی درباره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران- اسناد و دیدگاه ها)

و ای.لنین. می گفت: "اگر ما کار را از پایه گذاری سازمان استوار انقلابیون آغاز کنیم، خواهیم توانست استواری مجموع جنبش را تأمین کنیم و در عین حال، هم به هدف های سوسیال دموکراتیک و هم، به هدف های صرفاً "تریونیونیستی"³ تحقق بخشیم. ولی اگر کار را از سازمان کارگری گسترده ای آغاز کنیم که برای توده، حداکثر به اصطلاح "دسترس پذیری" را داشته باشد که (عملاً برای ژاندارم ها به حداکثر دسترس پذیر خواهد بود و انقلابیون را به حداکثر در دسترس پلیس قرار خواهد داد)، آن وقت نه به این هدف ها خواهیم رسید و نه به آن هدف ها، از خرده کاری خلاص نخواهیم شد و در نتیجه پراکندگی و سرکوب و تارومار دائمی، فقط تریونیونیون های نوع زوباتفی⁴ و اوزه روفی⁵ را به حداکثر برای توده ها دسترس پذیر خواهیم ساخت." (چه باید کرد. صفحه 75)

در شرایط کنونی میهن ما در عرصه های گوناگون جامعه مبارزه با شدت و حدت روزافزونی جریان دارد. رژیم استبدادی حاکم با اعتراض رو به گسترش کارگران و زحمتکشان روبرو است. این مبارزات طی سالهای اخیر از گستردگی وسیعی برخوردار بوده است بطوریکه درج خیرهای اعتراض و اعتصاب در مطبوعات تحت کنترل رژیم به امری عادی تبدیل شده است. بنابراین آنچه را که در شرایط کنونی باید بدان اهمیت داد، طرز برخورد به این مبارزات است و ضرورت سازماندهی هم درست با این شرایط پیوند دارد.

و ای.لنین. اشاره کرده است: "از اینکه توده اکنون خودانگیخته به جنبش روی می آورد، ضرورت سازماندهی این مبارزه کمتر نشده است. برعکس در نتیجه این امر ضرورت سازماندهی بیشتر می شود، زیرا ما سوسیالیستها اگر نتوانیم تلاش پلیس را برای پنهان نگه داشتن هرگونه اعتصاب و هرگونه تظاهرات عقیم گذاریم (گاه خودمان نیز اعتصاب ها و تظاهرات را پنهانی تدارک نبینیم) وظایف مستقیم خود را در برابر توده ها انجام ندهد ایم. ولی ما توانایی انجام این کار را داریم، زیرا توده هایی که خودانگیخته بپا می خیزند، از میان خود نیز، تعدادی روزافزون "انقلابیون حرفه ای" بیرون خواهند داد. بشرط آنکه ما با ساز کردن نغمه های گوناگون، کارگران را به درجا زدن دعوت نکنیم."

(چه باید کرد. صفحه 72)

مبارزان توده ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق العاده ای

قرار دارد. در این اوضاع متلاطم برای پیشبرد امر

توده مردم در هسته های مخفی حزبی متشکل شوید.

احمد قره باغی

وظایف ما در مرحله کنونی

در شرایط کنونی مشی لیبرالی اصلاح از درون رژیم که ناقل سیاست بورژوازی به درون جنبش دموکراتیک کشور ما بود. با شکست و ناکامی روبرو شده است و جنبش دموکراتیک مردم میهن ما مرحله نوینی را آغاز می کند.

در این مرحله لزوم دستیابی به آزادی و طرد نظام کهنه استبداد مذهبی قرون وسطایی از کشور ما، این ضرورت را ایجاب می کند که امر سازماندهی انقلابی را بمنظور تجهیز و تشکل توده مردم و بویژه طبقه کارگر در راه براندازی رژیم "ولایت فقیه" که در حقیقت چیزی جز تبلور حاکمیت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بسرکردگی روحانیون حاکم بر میهن ما نیست، بکار بندیم.

اهمیت تشکل و سازماندهی برای پیشبرد جنبش دموکراتیک

در شرایط کنونی که توده های ناراضی از رژیم در جستجوی راه برون رفت از وضع ناهنجار کنونی هستند. این شرایط مشخص وظایفی را در برابر حزب ما و همه مبارزان انقلابی میهن ما قرار می دهد و آن عبارت است، کوشش برای تدارک عامل ذهنی جنبش یعنی احیای سازمان های سیاسی غیرمتمرکز درون کشور که بتواند با کار سازمانی پنهانی در جریان تحول آتی جامعه ایران، نقش افشاگری و نقش تجهیزکننده، و گسترش دهنده مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم را ایفاء نماید.

هدف از تشکل و سازماندهی در شرایط کنونی، علیرغم تبلیغات گمراه کننده کارگزاران امپریالیسم و کوشش محافل لیبرال و سازشکاران که در جهت حفظ و تداوم بخشیدن به تسلط غارتگرانه سرمایه داری وابسته بر کشور ما عمل می کنند، بهره گیری از نیروی توده مردم زحمتکش بمنظور طرد حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" و پایان دادن به سلطه روحانیون حاکم برای پیشرفت جامعه ایران است.

حزب ما رسیدن به هدف طرد حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" را در گرو تدارک عامل ذهنی می داند و ضرورت ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری را شرط اساسی براندازی رژیم استبدادی "ولایت فقیه"، مطرح می کند و اتخاذ تدابیر عملی در راستای تدارک عامل ذهنی را بمثابة وظیفه مبرم در راه اجرای خط مشی سیاسی خود ضرور می داند.

در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که مشی امروز سازمانی نمی تواند و نباید جدا از مشی سیاسی حزب ما باشد. این دو در پیوند با یکدیگر هستند. همچنین مشی انقلابی حزب ما در قبال جنبش ضد رژیم نه تنها از نظر سیاسی-ایدئولوژیک بلکه از نظر مشی سازمانی با خط مشی لیبرالی محافل سازشکار رفرمیست مدعی حزب توده ایران که عملاً با تبلیغ و شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم و دنباله روی از نمایندگان بخشی از سرمایه داری بزرگ وابسته از نظر تئوریک و سیاسی به منجلاپ اپورتونیسیم سقوط کردند، تفاوت ماهوی وجود دارد.

اینک که مشی لیبرالی اصلاح از درون و شرکت در خیمه شب بازی انتخابات رژیم با شکست مواجه شده، مدافعان سرمایه داری وابسته،

محافل و گروه های سازشکار و رفرمیست هنوز هم دست از روش شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم برنداشته اند و چگونگی شرکت در انتخابات را مطرح می کنند. آنها مخالف براندازی رژیم و پایان دادن به حاکمیت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان هستند و اینطور تبلیغ می کنند که گویا امکان دسترسی به آزادی و دموکراسی از طریق مسالمت آمیز و استحالته رژیم در شرایط رژیم قرون وسطایی و استبداد فردی "ولی فقیه" موجود است!!

آنها تصورات خود را بجای واقعیات موجود جامعه قرار می دهند. ولی واقعیات ملموس زندگی در کشور ما مهرباطل برچنین تصویری می زند.

ما معتقدیم بدون آزادی قلم و بیان و اندیشه و ابتکار، بدون آزادی احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی مستقل در کشور، بدون انتخابات آزاد و دموکراتیک و بدون شرکت توده های وسیع مردم در مسائل مربوط به سرنوشت خلق، سخن گفتن از آزادی در کشور ممکن نیست. در شرایط رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی از آزادی نمی توان سخن بمیان آورد، نمونه واضح آن اعمال سیاست ترور و اختناق رژیم است.

رژیم "ولایت فقیه" با ساختار روبنای مذهبی قرون وسطایی مانع اصلی رشد نیروهای مولده در جامعه ماست. با در نظر گرفتن این تضاد که مانع رشد نیروهای مولده و سد عمده راه پیشرفت و منبع گسترش ناراضی توده های میلیونی است، بنابراین برای پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" باید از همه امکانات و بسیج همه نیروها استفاده کرد. در شرایط ویژه کنونی کشور مهم ترین وظیفه برای حل تضاد پیش گفته، تجهیز و تشکل نیروها است.

سازماندهی و اجرای اصل عدم تمرکز تشکیلاتی در لحظه کنونی

در رابطه با سازماندهی در لحظه کنونی باید یادآور شد که امر سازماندهی برای حزب توده ایران که در شرایط مخفی فعالیت می کند، تازگی ندارد. آنچه در شرایط کنونی باید بدان اهمیت داد هموار کردن راه دستیابی به این هدف با در نظر گرفتن شرایط مشخص کشور و آرایش نیروها در عرصه سیاسی است.

حزب توده ایران از تجربیات گذشته در این زمینه استفاده خواهد کرد. این وظیفه عاجل ماست. به همین دلیل مسئله کار سازمانی در شرایط مخفی برای حزب ما بیگانه نیست و نمی تواند باشد. مسلماً ما خط مشی سیاسی مرحله ای خود را با در نظر گرفتن شرایط مشخص کشورمان به اجرا در می آوریم. بنابراین در رابطه با امر سازماندهی می توان گفت اجرای مشی سازمانی عدم تمرکز تشکیلاتی منطبق با شرایط خفقان ارتجاعی کشور به قصد تشکل و سازماندهی حزبی، اشکال سازمانی و شیوه های مبارزه، انجام کار مخفی و تلفیق آن با کار علنی و رعایت موازین پنهانکاری برای تجهیز مبارزات سیاسی و اجتماعی در مرحله کنونی مبارزه ضرورت حاد دارد.

آنچه را که در اینجا به ویژه باید تاکید کرد، امر مهم سازماندهی در جهت پیشبرد تشکل توده های مردم زحمتکش ایران است که رژیم خودکامه سلطنتی پهلوی، اگر مبدا را از 1308 سرکوب اعتصاب کارگران نفت در آبادان بگیریم، پنجاه سال سازمان های سیاسی و

اراده احزاب و طبقات در جامعه پدیدار می گردد و به مثابه عوامل موثر در براندازی رژیم بشمار می روند. اما با این وجود ضعف عامل ذهنی موجب آن گردیده که جنبش ضد رژیم از نظر اشکال مبارزه در وضع نامطلوبی قرار گیرد.

کوتاه سخن، در این مرحله مبارزان توده ای باید در هسته های مخفی حزبی متشکل شوند و با انجام کار مخفی و تلفیق آن با کار علنی، کار سازمانی را به پیش ببرند و برای تحقق امر سازماندهی با اشکال و شیوه های مبارزه پنهانی و علنی در میدان های فعالیت صنفی و سندیکایی و هم در میدان مبارزات برای حقوق زنان و جوانان و دانشجویان در راه تشکل این اقشار زحمتکش تلاش کنند.

در شرایطی که با ضعف عامل ذهنی روبرو هستیم، وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی در جبهه واحد با برنامه مشترک برای سازماندهی مبارزه توده های زحمتکش به مثابه عامل عمده و موثر برای براندازی رژیم "ولایت فقیه" و استقرار حاکمیت ملی، عمده ترین وظیفه نیروهای مترقی و مبارزان انقلابی در مرحله کنونی است.

حزب توده ایران به این ضعف عامل ذهنی جنبش توجه داشته و به همین علت می کوشد با نیروهای سیاسی دموکراتیک جبهه ای متشکل از همه نیروهای مردمی پدید آورد و تفرقه میان خلق را از میان بردارد. 1391/3/10



اتحادیه ای- صنفی کارگران و زحمتکشان را سرکوب کرد و اعتصاب ها و تظاهرات کارگری و دهقانی و دانشجویی را به گلوله می بست.

پس از پیروزی انقلاب و در جریان شکست توطئه باند بنی صدر و همکارانش در رویدادهای تیرماه 1360، نیروهای ارتجاعی و روحانیون به سرکردگی خمینی با بدست گرفتن قدرت و سازش با کلان سرمایه داران بازاری و بزرگ مالکان و ادامه دادن به جنگ به حزب توده ایران به سبب نبرد آشتی ناپذیرش با امپریالیسم و حمایت از حقوق زحمتکشان و تلاش پیگیرش برای اجرای عدالت اجتماعی و انجام تحول بنیادی در جامعه ایران به سود زحمتکشان و محرومان جامعه و تکیه بر پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق و برقراری صلح عادلانه، یورش کرد و با سرکوب نهضت مردمی و ایجاد جو خفقان و ترور بر جامعه برای حفظ مالکیت های بزرگ غاصبانه و ادامه غارتگری سرمایه داری وابسته در نظام اقتصادی کشور همان رویه مذموم رژیم وابسته و ضد ملی شاه - ساواک را دنبال کرد و همه احزاب و سازمان های مترقی و دموکراتیک را با توسل به شیوه های فاشیستی سرکوب کرد.

رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در راس آن روحانیون حاکم با خیانت به آرمان انقلاب و سه شعار اصلی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و سمت گیری در ادامه مسیر سرمایه داری وابسته رژیم شاه با پوشش اسلامی جلو تحول بنیادی اقتصادی یعنی استقلال اقتصادی و اجرای قانون ملی کردن تجارت خارجی که قانون اساسی رژیم آن را تثبیت کرده بود و نیز برقراری کنترل بر توزیع داخلی، اجرای قانون اصلاحات ارضی و اجرای قانون اراضی شهری را گرفت و سرنوشت کشور را تابع منافع اقلیت کوچکی از طبقات غارتگر از سرمایه داران بزرگ تجاری و بزرگ مالکان و عوامل نفوذی امپریالیسم و سیا و ساواک و عناصر جاهل و قشری کرد و در مقابل در وضع رقت بار توده های محروم جامعه تغییری حاصل نشد. بطوریکه در سال های پس از انقلاب ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شدند.

یک نظر گذرا به عدم سازماندهی و تشکل توده ها و نیز معضلات عمده مطرح در جامعه می توان به اهمیت تشکل و سازماندهی مردم میهن ما پی برد. در اینجا باید اشاره کنیم، در جریان رویدادهای سیاسی جامعه، یک بار در خرداد سال 1376 و بار دیگر خرداد سال 1388، در شرایط عینی جامعه چنان وضعیتی پدید آمد که هر دو بار توده های مردم با اتکاء به تجربه شخصی خود به بهانه شرکت در انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری رژیم، برای تامین خواستها و مطالبات خود که زمینه عینی داشت به عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی وارد شدند.

اما این دو جنبش خودپو به علل سیاست رفرمیستی و مصلحت گرایی و مآشات اصلاح طلبان که از لحاظ طبقاتی بخشی از نمایندگان سرمایه داری بزرگ وابسته در رژیم حاکم بودند و نقش رهبری آن را بعهدہ داشتند، تغییری در وضع محرومان جامعه بوجود نیآورد و نمی توانست بیاورد.

در اینجا تکیه ما روی این دو رویداد از آن روست که با وجود شرایط عینی در جامعه و مسائلی چون بحران اجتماعی- اقتصادی و تشدید نارضایتی مردم از رژیم حاکم و تضادهایی که بطور عینی و بدون

رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" ارگان تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران را در کشور پخش نمایند. پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

از ایران چه خبر

توجه به این مصوبه، احتمال افزایش قیمت نان در آینده ای نزدیک وجود دارد." (جام جم آنلاین 91/2/15)

رفسنجانی درباره اختلاف در میان گروه ها و جناح های رژیم گفت: "تضاد بسیار عجیبی است، چگونه می شود در سالروزی که اقبال مختلف مردم عاشق امام از سراسر کشور به امید وحدت و همدلی در آستان مطهر امام گرد هم می آیند، گروهی اندک ولی متشکل و البته نامشخص در مقابل چشم میلیون انسان و شبکه های تلویزیونی اجازه اهانت به بیت امام و مسئولان را به خود بدهند؟ آیا می توان تصور کرد آنها گروهی خودسر هستند؟" (اعتماد 91/3/18)

هاشمی رفسنجانی اشاره ای به هویت این گروه های ضربت رژیم ولی متشکل و البته مشخص، نمی کند. فریادهایی مثل: "این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده، مرگ بر ضد ولایت فقیه" در حین سخنرانی احمدی نژاد در مراسم سالگرد خمینی، بیش از همه شخص رفسنجانی و متحدین دیروزی و امروزی او را مورد خطاب قرار می دهد. باید گفت این گروه های ضربت رژیم خودسر عمل نمی کنند، سازمانده اصلی این گروه ها وزارت اطلاعات به همراهی ارگان های سرکوبگر بسیج و سپاه می باشند که رانده شدگان و مغضوبین درگاه "ولایت" را مورد لعن و طعن خود قرار می دهند. به قول معروف: *چو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختر را*

باید خاطر نشان ساخت که در گذشته ای نه چندان دور، در دوران صعود و عروج سردار سازندگی بر اریکه قدرت، همین گروه های چماقدار فریاد: "دشمن هاشمی، دشمن پیغمبر است" سر می دادند. دوران ماه عسل رفسنجانی با ضد انقلاب متشکل در جناح رسالت، حجتیه، مؤتلفه، مهدویه پایان می یابد و دوران کاسه زهر خوردن وی فرا می رسد.

این اظهار نظر رفسنجانی نشانگر ژرفای اختلاف میان گروه ها و جناح های عمده حاکمیت رژیم است که بر بی ثباتی رژیم "ولایت فقیه" دلالت دارد. تضاد عمیق حاکمیت روحانیت با واقعیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به شکل روشنی خود را در همه عرصه های جامعه نشان می دهد. از مزاحمت های روزانه گشتی های ارشاد علیه زنان و دختران تا تشکیل کلاس مداحی برای کودکان دبستانی به همراه آشفته گی بی سابقه در اقتصاد کشور و مسئله مهم مذاکرات هسته ای، در همه این عرصه ها، از طرفی درماندگی و استیصال رژیم و از طرف دیگر خشم و آشفته گی و انزجار همگانی اقبال و طبقات اجتماع را می توان دید. تضادی که فقط با برانداختن رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" و استقرار حکومتی متکی بر آرای مردم قابل حل است.

درباره ورشکست اقتصادی و مالی رژیم بویژه وضع بانکهای کشور می توان از گفته "رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران" به آن پی برد. درباره مطالبات معوقه بانکی وی می گوید:

"حجم مطالبات معوقه بانکی به 54 هزار میلیارد تومان رسیده در حالی که نسبت تسهیلات به منابع بانکی 109 درصد، میزان تسهیلات پرداختی 9 برابر سرمایه بانکها و حداکثر کفایت سرمایه 10 شده است. وی تصریح کرد: ضرر فزاینده نقدینگی هم اکنون 8,4 بوده و نسبت منابع به مصارف بانکها وضعیت نگران کننده ای را نشان می دهد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که مجموعه نظام بانکی در وضعیت نگران کننده ای به سر می برد. به گفته آل اسحاق روابط بین بانکها و بانک مرکزی وضعیت مناسبی ندارد و بانکها در برابر پرداخت تسهیلات قفل شده اند، بنابراین باید برای این وضعیت چاره اندیشی کرد." (رسالت 91/03/10)

درباره چک های برگشتی بانکی، این خود یکی دیگر از علائم وخیم ورشکست اقتصادی رژیم بشمار می رود. روزنامه جمهوری اسلامی می نویسد:

"باتوجه به روزهای کاری سال 90 (حدود 290 روز) در هر روز کاری به طور متوسط 21950 فقره چک برگشتی در کشور ثبت و ضبط شده که این آمار به صورت مبلغی حدود بیش از 123 میلیارد تومان برای هر روز کاری است. (جمهوری اسلامی 91/3/18)

روزنامه "ابرار اقتصادی" ضمن تشریح عملکرد شرکت های اقماری وابسته به دولت به موازات کلان سرمایه داران بازار از واردات گوشت و مرغ توسط این شرکتها می نویسد:

"شرکتهای اقماری وابسته به جهاد کشاورزی عمده واردات را در زمینه گوشت و مرغ در دست دارند و در حال حاضر شرکت پشتیبانی امور دام، عملاً به یک واسطه بزرگ جهت خرید گوشت و مرغ در مقیاس کلان و از بازارهای جهانی برای تجار ایرانی تبدیل شده است. (ابرار اقتصادی 91/3/18)

کشور ما که در تولید کشاورزی در وضع اسفناکی است این مسئله محصولات کشاورزی از جمله گندم را برای تهیه نان مردم به معضل عظیمی تبدیل کرده است. جام جم آنلاین خبر می دهد:

"با تصویب دولت، قیمت فروش هر کیلوگرم گندم توسط شرکت بازرگانی دولتی به کارخانجات آرد و سایر متقاضیان 440 تومان تعیین شده که بیش از 80 تومان نسبت به قیمت قبلی افزایش نشان می دهد. با

Mardom promotional organ of the Tudeh party of Iran No.10 14 June 2012

آدرس سایت: www.rahehezb.blogspot.com
آدرس پست الکترونیکی: rahehezb@gmail.com